



#### از چه سالی به شکلی جدی به خط و خوشنویسی پرداخته‌اید؟

اصول اولیه خط و خوشنویسی را در دوران نوجوانی نزد زنده یاد پدرم فراگرفتم و با علاقه وافری که به این هنر داشتم برای تکمیل آن، در سال ۱۳۴۷، به انجمن خوشنویسان ایران روی آوردم و از محضر گرمی شادروان حضرت آقاسیدحسین میرخانی، کسب فیض نمودم و با رموز و دقایق (قواعد) خط نستعلیق آشنا شدم. در آن موقع خط شکسته به صورت جدی جزو برنامه انجمن خوشنویسان نبود.

#### چرا خط شکسته را انتخاب کردید؟

دلیل آن دیدن عکس‌هایی بود از قطعات خوشنویسی استاد گرانمایه «درویش عبدالمجید» که آن زمان از عکاسی «تهامی» در میدان بهارستان تهیه کرده بودم. از روی آنها به مشق پرداختم، و دروازه‌های دنیای نوینی از این هنر سحرانگیز به روی من گشوده شد. جذب و شور و شیدایی وسوسه‌انگیز و پرمز و رازی، دل را در پی خود می‌کشید و می‌بایست آن گمشده را نشان می‌جستم.

گویی «درویش» عرصه‌ی محدود خط نستعلیق را برای پرواز، به خود تنگ دیده و خط شکسته را به دلیل دارا بودن ترکیبات مشکلی «کمپوزیسیون» متعدد و متنوع آن، محلی برای بیان عصیانگری و فرونشاندن و به تصویر کشیدن فغان و غوغای درون خویش برگزیده و پوسته‌داری کرده و طرحی نو در انداخته است. خط از دیدگاه وی از یک وسیله‌ی ساده برای مبادله اطلاعات فراتر رفته و ارزش و اعتباری بیش از آن پیدا نموده و ارزش‌های بصری و جنبه‌های تجریدی و تزئینی آن مورد توجه قرار گرفته و به ظرفیت‌های تازه‌ای دست یافته است که آرام‌بخش روح سرگشته و بی‌قرار استاد است. بلی، هرچه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم خجل گردم از آن. من هم که در آن هنگام حتی دو دهه از بهار عمر را نگذرانده بودم، اسیر و مفتون کلک سحرانگیز و جادویی این عاشق دل سوخته طالقان شدم و در سلک مریدان و سرگشتگان وی درآمدم و بدین گونه بود که خور و خواب بر من حرام شد و داستان دربردی آغاز.

#### علت رویکرد شما به پژوهش در باب درویش چه بوده است؟

شکسته‌نویسی که زیباترین صورت خط تحریر فارسی است و آثار ارزشمند بسیاری بدان نگاشته شده از اواخر قرن یازده تا اواخر قرن سیزده هجری قمری دوران بالندگی و شکوهمندی را سپری نمود. پس از طی این دوران طلایی و پرافتخار تا سه دهه اخیر دوران رکود و فترت را پشت سر نهاد؛ به طوری که گرد فراموشی بر روی آثار موزه‌ها و کتابخانه‌های معتبر نشست و حتی نام مشاهیر و هنرمندان این قلم از یاد رفته بود. تحت چنین شرایطی، ضرورت تهیه و تدوین «کتاب و نشریات آموزشی» که با اصول و موازین این خط موافقت و مطابقت داشته باشد امری حیاتی می‌نمود. این امر می‌بایست به دور از هرگونه شائبه با بررسی و پژوهش در آثار استاد بزرگ درویش عبدالمجید شکسته‌نویسی صورت می‌گرفت تا احیا و اشاعه‌ی صحیح این هنر اصیل کمک کرده و رهنمودهای مؤثری در تکمیل و بهبود «خط» شکسته‌نویسان معاصر، در برداشته باشد. با این انگیزه سالیان متمادی است که ضمن تدریس و تعلیم به هنرجویان به بررسی و تحقیق در آثار خوشنویسی کتابخانه‌ها، موزه‌ها و گنجینه‌های داخل و خارج از کشور پرداخته‌ام و حدود سه دهه است که به امر گردآوری و تألیف کتاب مرجع «زندگی‌نامه و آثار» درویش با همه دشواری‌های آن اشتغال دارم.

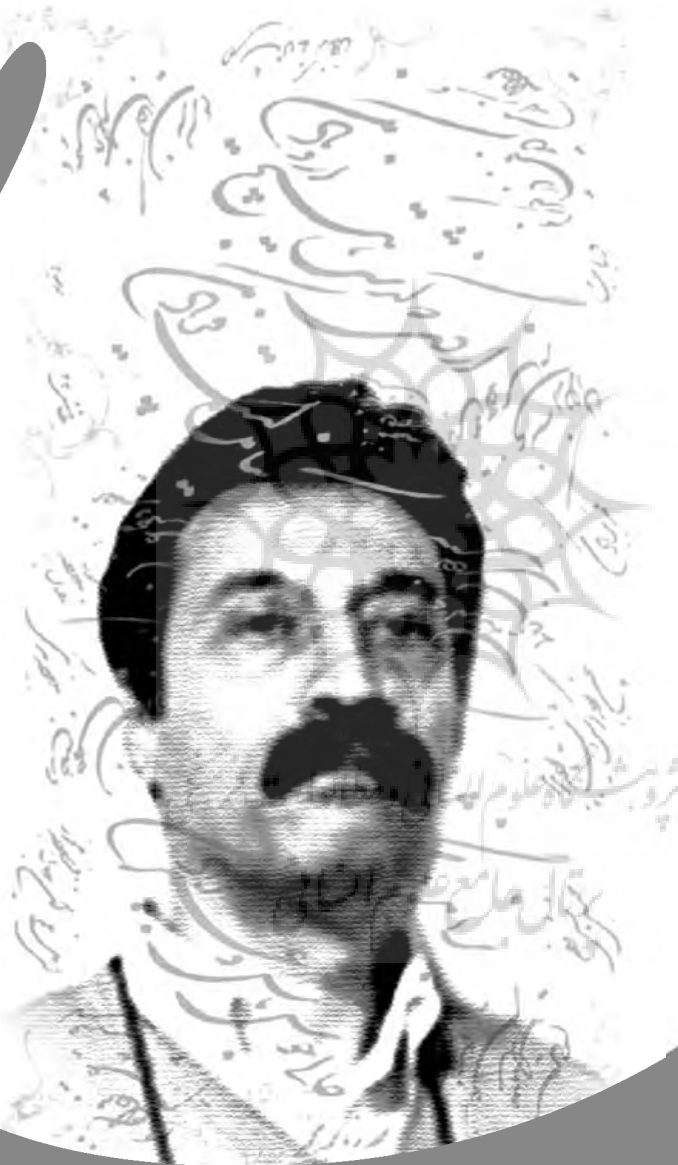
#### وضعیت خط شکسته در دوره‌ی معاصر چگونه است؟

پس از فوت «گلستانه» یکی از بزرگترین شکسته‌نویسان تاریخ خوشنویسی - اواخر دوره قاجاریه - شکسته‌نویسی در روزگار ما، به دلایل متعددی چون: ورود و گسترش چاپ، نبودن استاد و کارشناس مجرب و نیز دشواری دستیابی به آثار اصیل خوشنویسی با فترتی قریب به هفتاد سال مواجه بوده است. این روند به ظهور و خودرویی تنی چند از پیشروان و علاقه‌مندان خط شکسته منجر شد. بر صاحب‌نظران پوشیده نیست که در سه دهه اخیر، اکثر اساتید خوشنویسی بنا بر سلاقی شخصی مبادرت به تحریر خط شکسته به شیوه‌های گوناگون کرده و جملگی از رموز و دقایق خط شکسته «مکتب درویش» بی‌اطلاع بودند. بنابراین

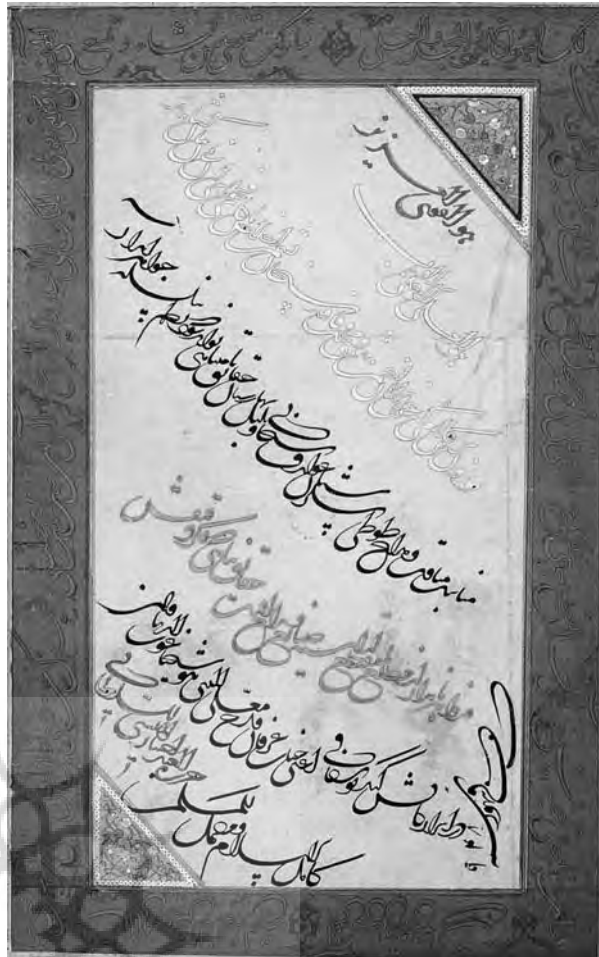
استاد مشعشی در سال ۱۳۲۹ در تهران دیده به جهان گشود و فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۴۷ آغاز کرده است. وی علاوه بر تدریس خط شکسته، تدوین مقالات و سخنرانی‌ها، از کارشناسان برجسته‌ی خط شکسته‌ی نستعلیق به شمار می‌رود وی از اواخر دهه‌ی پنجاه به گردآوری احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی (فوت ۱۱۸۵ ق) پرداخته است.

پژوهشی نیز در این ارتباط، در حال آماده‌سازی است که در ماه‌های آینده به بازار کتاب عرضه خواهد شد.

این گفت‌وگو توسط دبیر این شماره در پژوهشگاه خط و خوشنویسی صورت گرفته است که اینک می‌خوانید.



# با استاد غلامرضا مشعشی در یک گفت‌وگو



رویگرد این گروه نوپا و رشد شنابزده و فزاینده و مزید بر آن نالآگاهی و خودرایی معدودی که این خط را به ورطه «نمایشگاه‌ها» و بی‌راهه کشانده‌اند، امروزه سبب پیدایش خط شکسته‌ای شده است که از اصالت و قانونمندی کافی برخوردار نیست.

باید توجه داشت که اگر «نوآوری» متکی بر پشتوانه فنی میراث گذشتگان نباشد و از فراگیری و شناخت کافی نسبت به اصول و مبانی برخوردار نگردد، دیگر نوآوری نیست که «تخریب» نام دارد و به ماندگاری نیز دست نخواهد یافت.

#### درباره‌ی جعل آثار عبدالمجید توضیح دهید.

ابتدا بهتر است مختصری به دو شاگرد بدون واسطه مرحوم درویش یعنی میرزا کوچک و «محمدرضا کر» بپردازم. هر دو این بزرگواران مانند همه خوشنویسان در طول تاریخ خوشنویسی، «ناگزیر» بوده‌اند که از روی آثار استاد خود به مشق بپردازند و در موارد بسیاری آثاری (قطعاتی) از این دو هنرمند باقی مانده که حتی دارای رقم «عبدالمجید» است که شناسایی و تشخیص آن از آثار مرحوم «درویش» به دلیل عیار بالای هنری آن بسیار دشوار است. حال اگر خالق اثر آن را عیناً شبیه آثار درویش بدون هیچ کم و کاست در ترکیب آن نوشته باشد و نام خود را هم در کنار نام استاد بیابرد به این عمل «نقل» می‌گوییم ولی اگر فقط نام «عبدالمجید» را در پای اثر خود بگذارد «بدون ذکری از نام کاتب» به این عمل «جعل» می‌گوییم. معمولاً نقل از آثار مرحوم «استاد بزرگ درویش» برای شکسته‌نویس شدن یک رویه است و تاکنون هم رایج بوده است، اما «جعل» آثار درویش به وسیله خوشنویسان متعددی در طول تاریخ با انگیزه‌های مختلف صورت گرفته که بحث آن در این مقال نمی‌گنجد. این مطلب را به طور مشروح و مستدل تحت عنوان کتاب «گلستانی از گلستانه» و آلبوم «سر عشق» به آگاهی پژوهشگران رسانیده‌ام.

چگونه آثار اصیل درویش را می‌توان شناسایی کرد؟

به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم

که من به‌خویش نمودم صد اتمام و نشد

سؤال بسیار جالبی است، چون حضرت استاد درویش عبدالمجید در طول عمر پربرکت و پربار و کوتاهش آثار بی‌شماری از خود به یادگار گذاشته است و آثار متعددی هم با انگیزه سودجویی به وسیله‌ی خوشنویسان، به نام وی جعل گردیده است. بنابراین کارشناسی آثار وی امری بسیار خطیر و دشوار و در بعضی موارد حتی برای خبرگان و استادان این رشته ناممکن می‌نماید و اینکه معدودی آنتیک فروش و... خود را کارشناس قلمداد نمایند خیال خام و امر محال است. به هر حال باید اذعان داشت که شناسایی و کارشناسی آثار درویش در درجه اول مستلزم خوشنویس شدن و سپس مذاقه و اشراف داشتن به آثار اصیل معرفی شده است (که متخصصین اصالت آنها را قبلاً تأیید کرده‌اند). با تمرین و ممارست و مقایسه حروف و کلمات و ترکیبات تا حصول به اینکه تمام ممیزه‌های خط درویش ملکه ذهن شده و حس به تشخیص آثار درویش باید به حدی در شخص تقویت شود که با رؤیت یک قطعه از درویش و پس از کمی درنگ «چند ثانیه» مجموعه‌ی عوامل مذکور در وی ایجاد یک «حس» یا واکنش کند که آیا این قطعه‌ی درویش است یا خیر؟

یعنی ایجاد یک نوع رابطه عاطفی یا حسی به جای قواعد و ضوابط، که البته رسیدن به این مرحله مستلزم سی سال صرف وقت و مطالعه و پژوهش در آثار درویش است.

#### آرامگاه درویش در چه وضعیتی است؟

درویش در حدود ۳۵ سالگی در اصفهان درگذشت و در گذر راهی منتهی به تکیه میرفندرسی در شمال گورستان تخت فولاد اصفهان در سال ۱۱۸۵ ه. ق به خاک سپرده شد. آرامگاه وی (که سنگ مزار آن در بالای آن شکسته و دو قسمت شده از مرمر سفید است) محصور بین دو پله می‌باشد و در معرض از بین رفتن است.